

سپهر سیاست

شماره ۱۵، زمستان ۱۴۰۲
ویژه نامه انتخابات انجمن علمی دانشجویی علوم سیاسی دانشگاه بیرجند



سپهر سیاست

نشریه انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه بیرجند

شماره ۱۵

مدیر مسئول: مهدی جمالی

سر دبیر: مردان حاجیلی دوجی

هیئت تحریریه: محدثه ذاکری نژاد، حسین طحان، محمد مهدی وثوقی، ابوالفضل بازاری

گرافیکست و صفحه آرا: علی احمدی

استاد مشاور نشریه: دکتر احمد بخشی

ویژه انتخابات

فهرست

تاریخچه انتخابات ، فواید و اهمیت آن در ایران	۴
مفهوم مشارکت سیاسی و جنبه های فرهنگی و اجتماعی انتخابات	۷
پاسخی به سوالات و شبهات مطرح شده در موضوع انتخابات و شرکت در آن	۹
تأثیر انتخابات بر کشور و نظام بین الملل	۱۲

پیشکش به روح تمامی شهدا
و به نیابت از شهیده فائزه رحیمی

مادر شهیده فائزه رحیمی در دیدار با
جمعی از دانشجویان فعال فرهنگی،
سیاسی و اجتماعی در تاریخ ۳۰
بهمن ماه ۱۴۰۲ در حرم عبدالعظیم
حسنی (ع) بیان کردند. دغدغه
دخترم قبل از شهادت کار برای
حضور پرشور در انتخابات بود و اگر
می‌خواهید او را خوشحال کنید شما
این وظیفه را به دوش بکشید.



سلام ما را به محضر
زهرا علیها السلام برسان
شهیده دانشجو معلم در حادثه تروریستی کرمان



تاریخچه انتخابات ، فواید و اهمیت آن در ایران

شرکت در انتخابات ندارند اشاره کرد که تعداد زیادی از مردم عادی نمی توانستند در انتخابات شرکت کنند ولی با اصلاحیه قانون انتخابات در تیرماه هزار دویست هشتاد هشت شرایط کمی فرق کرد و راه برای شرکت مردم کمی هموارتر شد.

براساس این اصلاحیه همه طبقات به جز زنان حق شرکت در انتخابات را داشتند و البته محدودیت هایی برای بی سوادان وجود داشت و همین طور سن شرکت کنندگان از بیست پنج سال به بیست سال و تعداد نمایندگان از یکصد پنجاه شش نفر به یکصد بیست نفر تغییر پیدا کرد.

در ادامه مجلسی به نام مجلس سنا به عنوان مکمل مجلس شورای ملی افتتاح شد این مجلس تشکیل شده بود از شصت نفر که سی نفر آنها نماینده انتصابی از طرف شاه و سی نفر دیگر هم منتخب مردم بودند و همینطور طول مدت حضور نماینده در مجلس شش سال بود که با اصلاحیه اعلام شده به چهار سال رسید.

سن انتخاب کنندگان حداقل بیست پنج سال و کاندیداها حداقل چهل سال تعیین شد.

خلیفه از نوعی انتخابات استفاده کردند مثل حضرت علی علیه السلام و خلیفه عثمان بر اساس تقسیم تاریخ ایران به دو دوره متفاوت انتخاباتی دوره اول را بررسی می کنیم **دوره قاجار و پهلوی**

اولین شکل انتخابات و تشکیل مجلس در ایران به فرمان مظفرالدین شاه قاجار صادر شد و اولین دوره مجلس شورای ملی در تاریخ هفده مهرماه ی هزار و دویست و هشتاد و پنج هجری شمسی افتتاح شد براساس مقررات نظامنامه انتخاباتی آن دوره طول مدت نمایندگی در مجلس دو سال بود و مجلس تشکیل می شد از یکصد و پنجاه و شش نماینده که شصت نفر از پایتخت و نود و شش نفر از سایر نقاط ایران انتخاب می شدند.

البته در دوره اول انتخابات همه مردم حق شرکت نداشتند و انتخابات جنبه صنفی داشت از شرایط رای دهندگان در این دوره میتوان به حداقل سن بیست پنج سال، رای دهندگان باید صاحب ملکی باشند که هزار تومان ارزش داشته باشد، زنان حق

کشور ایران از جمله کشورهای است که انتخابات در آن سابقه حدودا صد ساله دارد انتخابات در ایران برای اولین بار در دوره قاجار شروع شد ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی روند و ساز و کارهای حاکم بر انتخابات به شدت پیشرفت کرد به این گونه که شهروندان می توانند در انتخاب عالیترین مقام سیاسی ایران به صورت غیر مستقیم تاثیر بگذارند در تاریخ ایران با توجه به واژه انتخابات می توانیم انتخابات در ایران را به دو دوره تقسیم کنیم ۱-انتخابات در دوره قاجار و پهلوی ۲-انتخابات در دوره جمهوری اسلامی.

قبل از تشریح این دو دوره می خواهیم شما را با تعریف انتخابات آشنا کنم انتخابات چیست؟ انتخابات به طور کلی یک فرآیند تصمیم گیری رسمی است که طی آن مردم جامعه برای اداره امور کشور شخص یا اشخاصی برای مقام رسمی به مدت معلوم با ریختن رای خود به صندوق های انتخاباتی برمی گزینند ریشه انتخابات را میتوان به یونان و روم باستان برای انتخاب رهبرانی چون امپراتوری مقدس و پاپ اختصاص داد و همینطور اعراب باستان نیز برای انتخاب

انتخابات در دوره جمهوری اسلامی

دور دوم انتخابات در تاریخ ایران دوره جمهوری اسلامی است پس از پیروزی انقلاب اسلامی چندین بار انتخابات و همه پرسی برگزار شد و اولین و مهمترین انتخابات پس از پیروزی انقلاب اسلامی را میتوان شرکت در همه پرسی تعیین حکومت در ایران که در روزهای ده و یازده فروردین ماه یک هزار و سیصد و پنجاه و هشت برگزار شد و ملت ایران با ۹۸ درصد آرا به جمهوری رای دادند.

حکومت ایران از نظام شاهنشاهی به جمهوری اسلامی تغییر یافت که خواست و علاقه مردم در این همه پرسی به جمهوری اسلامی و دست ردی به سینه نظام شاهنشاهی کامل نمایان شد در ادامه روند انتخابات در جمهوری اسلامی مردم ایران بار دیگر در دوازده مرداد یک هزار و سیصد و پنجاه و هشت برای انتخاب نمایندگان خود در مجلس خبرگان پای صندوق های رای رفتند که این دومین تجربه انتخاباتی مردم ایران پس از انقلاب اسلامی بود.

مجلس خبرگان قانون اساسی پس از نهای شدن قانون اساسی آن را به هم پرسی گذاشتند که دوازده آذر این همه پرسی برگزار شد و همینطور اصلاحیه آن در سال یک هزار و سیصد و شصت و هشت برگزار شد قبل از ورود به انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی از شروع همه پرسی و انتخابات کاملا نمایان است که همه چیز به خواست و اراده مردم است و مردم در سرنوشت و تعیین مقام های سیاسی کشور خود نقش دارند جمهوری اسلامی بر این اصل که مردم باید در سرنوشت کشور خود نقش داشته باشند کار خود را آغاز کرد به این صورت که حتی مردم ایران می توانند بصورت غیرمستقیم عالی ترین مقام سیاسی کشور خود رهبر ایران را انتخاب کنند.

پس از تصویب قانون اساسی در جمهوری اسلامی انتخابات به چهار قسمت تقسیم شد.

۱_ مردم ایران طبق قانون اساسی نماینده خود را در مجلس خبرگان بصورت مستقیم انتخاب می کنند و سپس اعضای مجلس خبرگان رهبر نظام را مشخص می کند ۲_ مردم ایران نماینده خود را در مجلس شورای اسلامی را به صورت مستقیم انتخاب می کنند تا قوانین کشور را در چارچوب قانون اساسی تصویب برساند.

۳_ مردم ایران فردی را به عنوان رئیس جمهور



انتخاب می کنند تا قوانین کشور را از طریق هیئت دولت اجرا کنند. ۴_ مردم با توجه به قانون اساسی در روستاها و شهرها برای حل مشکلات منطقه خود نمایندگانی برای شورای محلی و دهیاری انتخاب می کنند.

چارچوب نظام جمهوری اسلامی تشکیل شده از همین سه قوه یعنی قوه مجریه، مقننه و قضاییه اعضای قوه مجریه و مقننه با رای مستقیم مردم انتخاب می شوند ولی قوه قضاییه توسط رهبری که خود توسط مجلس خبرگان و اعضای مجلس خبرگان توسط مردم انتخاب می شوند یعنی مردم به صورت مستقیم و غیرمستقیم در تعیین مقام های سیاسی کشور تاثیر میگذارند.

از شرایط رای دهندگان در قانون اساسی جمهوری اسلامی می توان به حداقل سن

پانزده سال که پس از اصلاحیه در سال هزار و سیصد و هشتاد و پنج به هجده سال رسید، تابعیت ایرانی و عاقل بودن اشاره کرد. همینطور از شرایط کاندیداها می توان به تابعیت ایرانی، اعتقاد به اسلام و نظام جمهوری اسلامی، وفاداری به قانون اساسی و ولایت فقیه، سلامت جسمی در حد برخورداری از بینایی، گویایی و شنوایی، حداقل سن سی سال و حداکثر هفتاد و پنج سال اشاره کرد.

بعد از پرداختن به تاریخچه انتخابات در ایران این سوال به وجود میآید که انتخابات چه فایده ای دارد؟

چرا اصلا انتخابات برگزار می کنیم؟ در ادامه با جواب دادن به این سوال، فواید انتخابات را بررسی می کنیم

فواید انتخابات

انتخابات فرصتی است که در آن مردم جامعه نظر خودشان را نسبت به شیوه حکومت و مدیریت آن اعلام کنند و اگر نارضایتی نسبت به آن دارند فرد یا گروهی دیگری که مناسب تر و با کفایت تر هستند را جایگزین نمایند تا سیستم کشور رو به اصلاح و بهبود حرکت کند با این امتیاز مردم می توانند از فاسد شدن سیستم جلوگیری کنند و افرادی که توانایی لازم در اداره جامعه ندارند را جابه جا کنند.

از فواید دیگر انتخابات این است که حضور مردم در عرصه سیاسی مهمترین راه تحقق حاکمیت مردم است، نظام مردم سالاری



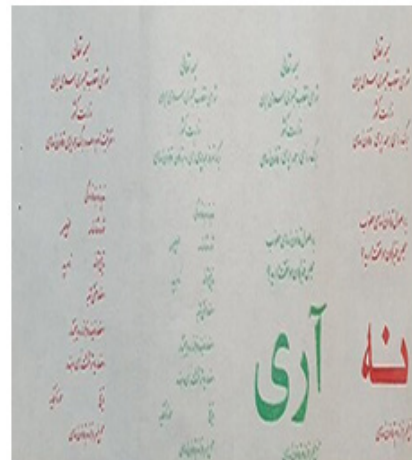
صورت غیرمستقیم توسط مردم انتخاب می شوند این توضیحات همه بر جنبه کارآمدی نظام تاکید دارند که حضور مردم در مراحل سیاسی نظام انتخابات، رقابت کاندیداهای منتخب مردم و شرکت مردم در سرنوشت جامعه، این منظور را می‌رساند که جمهوری اسلامی حکومت مردم سالاری است، که توسط خود مردم تشکیل شده است و پاسخگوی مردم است حضور پرشور مردم در انتخابات نمایانگر قدرت آن کشور در عرصه بین المللی و رضایت مردم از نظام جمهوری است و دست رد به سینه ی تمام دشمنان و منافقانی است که برای کشور پهناور ایران نقشه می کشند در زمینه دیگر حضور پرشور مردم منجر به اعتماد به نفس و شجاعت مسئولان برای تحقق برنامه ها و پیشبرد آنها می باشد با حضور مردم در انتخابات قدرت کشور هم در عرصه خارجی هم داخلی هم در مقابل چشم بیگانگان و دشمنان محکم تر از گذشته می شود و دارای اقتدار و قدرت بیشتر و جوانتر از گذشته برای پیشبرد اهداف خود تلاش می کند.

به قلم مهدی جمالی

انتخابات و رقابت در آنها به اریکه قدرت برسند.

و از این طریق قدرت سیاسی از گروهی به گروهی دیگر منتقل میشود. در انتخابات قدرت همواره در چرخش است و زمینه جابجایی را فراهم می کند و هیچ کس برای همیشه در اریکه قدرت وجود ندارد. در ادامه انتخابات و فضای رقابتی آن موجب افزایش آگاهی مردم از وضعیت کشور در حوزه های مختلف می شود .

در پایان مهمترین فایده انتخابات مشارکت سیاسی مردم در خنثی سازی توطئه ها و تهدیدات دشمنان که موجب افزایش اقتدار نظام و امنیت کشور می شود اشاره کرد. بطور کلی بعد از تمامی این توضیحات از تاریخچه انتخابات و فواید آن و ساختارهای آن در نظام جمهوری اسلامی می توان به این نتیجه رسید که در جمهوری اسلامی اصل بر مشارکت صد درصدی مردم در روند سیاسی کشور است همانطور که ذکر شد مردم ایران توانایی انتخاب عالی ترین مقام سیاسی کشور را به صورت غیر مستقیم دارا می باشند و همینطور ساختار دولت که از سه قوه تشکیل می شود و دو قوه به صورت مستقیم و قوه قضاییه به



نظام حاکمیت مردم بر سرنوشت خودشان است که حکومت برخاسته از مردم و پاسخگوی مردم است.

در نگاه دیگر انتخابات مسالمت‌آمیزترین شیوه رسیدن به قدرت است که در گذشته بر رسیدن به قدرت روش های سخت و خونین وجود داشته که حتی مشروعیت لازم از سوی مردم را دارا نبودند ولی انتخابات دارای مشروعیت لازم از سوی مردم است و مسالمت‌آمیز است و این امکان را برای کاندیداها فراهم می کنند که با حضور در





مفهوم مشارکت سیاسی و جنبه های فرهنگی و اجتماعی

کردنی بلکه باید آن را به دست آورد، یعنی امتیازی نیست که حکومت به اتباع خویش می دهد. بلکه حقی است که باید از آن استفاده کند.

مشارکت فعالیتی کمی و کیفی و دارای ابعاد گوناگون و درجاتی است. لذا گستردگی و عمق آن متغیر و در عین حال مهم می باشد، وسعت مشارکت بدون عمق کافی آن را سطحی و آسیب پذیر می گرداند و عمق بدون وسعت مشارکت نمی شود.

ایده های مربوط به مشارکت یک نقطه مشترک دارد و آن اهمیت دادن به نقش و نظر مردم در تصمیم گیریهای سیاسی و دسترسی آنان به منافع قدرت است.

حال که مفهوم مشارکت سیاسی را توضیح داده ایم به سراغ جنبه های اجتماعی و فرهنگی میرویم

هنگامی که در یک جامعه میزان مشارکت سیاسی بالا باشد در نتیجه کارآمدی نظام سیاسی افزایش پیدا میکند و این کارآمدی به دیگر بخش ها سرازیر میشود. در جوامعی که جامعه مدنی پویایی دارد مشارکت سیاسی در درجه خوبی قرار دارد، جامعه مدنی از سه حوزه خصوصی، عمومی و دولت تشکیل شده است. حوزه خصوصی معرف آن بخش

در هر کشوری مشارکت سیاسی یک مفهوم بسیار سرنوشت ساز است زیرا مشارکت سیاسی میتواند بسیاری از توانمندی ها و مشکلات یک جامعه را روشن کند. اگر ما بخواهیم در این صحبت کشور ایران و نظام جمهوری اسلامی را قرار بدهیم، میزان مشارکت سیاسی با توجه به بحران های داخلی و خارجی میتواند نشان دهد که ما به چه میزان از وضعیت موجود احساس رضایت میکنیم و چه میزان نسبت به آینده خود و کشور امیدوار هستیم و همچنین بحث استقلال و میزان همبستگی ملی با همین مشارکت سیاسی تا حدودی مشخص میشود اما مشارکت سیاسی از یک ویژگی هایی برخوردار است:

مشارکت سیاسی مشروط و منوط به برابری انسان ها و آزادی آنهاست. در یک نظام مشارکتی فرض بر این است که مردم باید فرصت مناسب برای تأثیرگذاری بر سیاست ها را داشته باشند و دولت نیز باید امکان رقابت بر اساس شایستگی افراد را مهیا کند. مشارکت حق مردم است و نیازمند آگاهی آنهاست. مشارکت امری تحمیلی نیست بلکه نوعی حق به گروه های ضعیف و اقلیت ها است تا در آینده خود نقش داشته باشند، چنین نقشی نه فرمایشی است و نه وضع

با نزدیک شدن به انتخابات مجلس شورای اسلامی دوباره بحث ها راجع به مفاهیم مربوط به انتخابات نیز گرم تر شده است. یکی از مفاهیم مربوط به انتخابات، مشارکت سیاسی میباشد. ما برای اینکه فهم بهتری از مشارکت سیاسی داشته باشیم، ابتدا باید تعریفی از مشارکت سیاسی داشته باشیم سپس به مبحث جنبه های اجتماعی و فرهنگی آن بپردازیم.

مشارکت سیاسی از زمانی که انسان ها به این فهم رسیدند که میتوانند با تجمیع توان خود بر دیگران فارغ آیند مفهوم مشارکت سیاسی شکل گرفت که این به معنای این است که افراد جامعه نظام حاکمیتی و همچنین سرنوشت خود را مشخص میکنند.

اما این مشارکت سیاسی میتواند به صورت های مختلفی انجام شود از جمله به صورت مستقیم که افراد با آرا خود نوع نظام حاکمیتی و سرنوشت خود را مشخص میکنند و نوعی دیگر به این صورت است که نمایندگان که مردم آنان را برگزیدند سرنوشت ملت را مشخص میکنند که میتوان به احزاب، جریان ها، گروه ها، سندیکاها و.. اشاره کرد که مردم از طریق این موارد ذکر شده مشارکت سیاسی میکنند.

از زندگی افراد است که امکان تصمیم‌گیری دموکراتیک برای آن وجود ندارد و عقل آدمی حکم می‌کند که بر سر آنها به شیوه عقلانی برخورد شود. حوزه عمومی نیز معرف آن بخش از جامعه مدنی است که در آن تمامی افراد و گروهها از طریق مشارکت در نهادهای مدنی و سمن‌ها و با استفاده از ابزارهای نظارتی که در اختیار دارند ضمن پی‌گیری مطالبات خویش به انتخاب و نظارت بر کار دولت می‌پردازند.

افراد در جامعه سه نوع حق مدنی، سیاسی و اجتماعی دارند زمانی فرد می‌تواند از طریق نهاد های مدنی مشارکتی از خود به جا بگذارد که ضمن متعهد شدن دولت به حقوق افراد در جامعه، خود نیز نسبت به حقوق فردی خود در جامعه خویش آگاهی داشته باشد. جامعه ای که در آن هم افراد نسبت به حقوق خود آگاهی داشته باشند و هم دولت خود را متعهد به رعایت حقوق افراد بدانند جامعه ای دموکراتیک است و مشارکت سیاسی در جنبه های اجتماعی به گونه بهتری خود را نشان میدهد.

با توجه به صحبتی که شد و اینکه تا چه میزان مشارکت سیاسی متأثر از جنبه های اجتماعی و فرهنگی است و بالعکس، باید به موانع بر سر راه مشارکت سیاسی در این دو جنبه را شناسایی کرد و توضیحاتی را حول محور آن داد

گسترش مبانی دینی در جامعه : دین یکی از مولفه ها و متحرک های جنبش های اجتماعی و مدنی در جوامع متدین است و نقش دین در مشارکت سیاسی و اجتماعی در کشورهای اسلامی غیر قابل انکار است . یکی از راهکار های استعمارگران تا به امروز سکولاریزه کردن جوامع دین دار است تا بتوانند افراد جامعه را نسبت به سرنوشت خویش بی تفاوت کنند و اینگونه که دنیای دین از دنیای سیاست جداست در حالی که دین اسلام قائل به این جدایی نیست

در اسلام رهبری فکری از رهبری سیاسی جدایی ناپذیر است و این دو همواره ملازم هم بوده‌اند. بنابراین با تبیین صحیح جایگاه دین و مبانی دینی در جامعه و جلوگیری از افکار انحرافی می‌توان مشارکت مردم در امور اجتماعی و سیاسی را بالا برد، دین خواستار مشارکت عمومی است.

سطح آگاهی جامعه : یکی از موانع مشارکت عمومی ناآگاهی است، که قشر زیادی از جامعه نسبت به حقوق و توان خود ناآگاه هستند . اگر جامعه نخبگان باعث آگاهی بخشی عموم شوند در نتیجه جامعه از حق و توان خود در خصوص سرنوشت خود آگاه میشود آگاهی های عمومی نقش بسیار

مهمی در توسعه مشارکت سیاسی دارد تسلط گروه های خاص و دارای نفوذ : اگر گروهی (حزب، جریان) به صورت انحصاری ارکان قدرت اقتصادی و سیاسی را در اختیار بگیرد و تمام اهداف در ذیل منفعت آن گروه تعریف شود این باعث میشود که مشارکت سیاسی کاهش چشم گیری داشته باشد زیرا جامعه احساس میکند فضایی برای ابراز مشارکت ندارد

وجود احزاب فعال : یکی از راه کار های افزایش مشارکت سیاسی وجود احزاب است زیرا امروزه با توجه به شکل پیچیده نظام های سیاسی باید به گونه ای باشد که سلاقی مختلف را در بر گیرد تا افراد بتوانند چه به صورت شخصی و چه گروهی نظرات و خواست های خود را بیان کنند البته احزاب با مدیریت کردن اجتماعات باعث افزایش مشارکت میشوند در جوامعی که نقش احزاب کم است و ما با پدیده فصلی بودن احزاب روبرو هستیم شاهد فراز و نشیب زیاد در مشارکت سیاسی هستیم

فرهنگ سازی : فرهنگ از مهمترین عوامل اصلی در مشارکت سیاسی است. مشارکت افراد در جامعه‌ای که دارای فرهنگ کار جمعی هستند، گسترده است؛ در مقابل،

در جامعه فاقد چنین فرهنگی مردم با پدیده‌های سیاسی و اجتماعی بر خورد انفعالی دارند. لذا باید فرهنگ مشارکت مردمی به نحو مطلوب نهادینه سازی گردد. اعتماد عمومی: ایجاد یک ساختار برای تعیین فعالیت‌های سیاسی و تأمین امنیت در جهت آزادی بیان و پس از بیان و ایجاد فضای گفت‌وگو، می‌تواند تضمین کننده مشارکت مردم باشد در نتیجه اعتماد مشارکت مردم در قالب تشکل های سیاسی، باعث پویایی نظام اجتماعی و ثبات حاکمیت میشود . با توجه به جامعه ایران که یک جامعه جوان است میتوان یکی از جنبه های اعتماد را برای برون رفت از بحران ها امید با آینده دانست . اگر جامعه به آینده برنامه ریزی ها در جهت فقر زدایی و مشکلات توسعه امید داشته باشد و همچنین نظام حاکمیتی نیز در جهت کاهش فقر و توسعه اقتصادی گام بردارد این گونه کنش های نظام سیاسی نیز به نوبه خود باعث افزایش

مشارک سیاسی میشود رسانه : یکی از کارکردهای رسانه‌ها ایجاد همبستگی اجتماعی و تأثیر در مشارکت سیاسی جامعه است. رسانه‌ها در جامعه با وجود تفاوت ها و اختلافات، تضادها را از بین می‌برند و به همبستگی جامعه کمک می‌کنند

در مجموع چنانچه یک نظام سیاسی خواهان توانمندی و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی باشد، چاره ای جز بالا بردن مشارکت آگاهانه، فعالانه و متشکل توده مردم در فرآیند حاکمیتی خود نخواهد داشت. مردم در یک نظام سیاسی نوین بیشتر در فرآیند های تصمیم گیری ها درگیر هستند و این باعث ثبات نظام حاکمیتی در جنبه های داخلی و خارجی میشود

به قلم محمدمهدی وثوقی



پاسخ به پرسش‌ها و سوالات انتخاباتی

برای اعتراض وجود دارد که باید با مطالبه مردم به جریان بیفتد و به آنها توجه شود. نکته دیگر این است که انسان در زندگی خود همواره در معرض انتخاب و تصمیم‌گیری قرار دارد که ناشی از اراده و اختیار اوست. بنابر این هم به لحاظ شرعی و هم به لحاظ قانونی، انتخاب برای انسان حق است و این حق بودن باعث ایجاد مسئولیت می‌شود؛ بدین معنا که انسان مسئولیت دارد تا در همه مسائل زندگی خود انتخاب درست و شایسته داشته باشد که انتخابات هم از این قاعده مستثنا نیست و همین موضوع اهمیت شرکت در انتخابات و انتخاب اصلح را بالا می‌برد به طوری که می‌توان شرکت در انتخابات را یک تکلیف برای مردم تلقی کرد. پرسش دوم: در این سال‌ها که در انتخابات شرکت کرده و رأی دادیم چه نتیجه‌ای داشت؟ در بخش‌های گذشته تأثیر انتخابات بر جامعه و حتی نظام بین الملل مورد بررسی قرار گرفت، اما با این حال هنوز برخی معتقدند که رأی ما و شرکت کردن ما در انتخابات هیچ تأثیری در بهبود وضعیت جامعه و رفع مشکلات نداشته است. در پاسخ

فهم بهتر موضوع از یک مثال استفاده می‌کنیم: وقتی فردی مبتلا به بیماری می‌شود یا باید به پزشک مراجعه کند یا آنکه درد و رنج بیماری را تحمل کند و امیدوی به بهبود نداشته باشد. این فرد زمانی می‌تواند بهبود یابد که به پزشک مراجعه کند و دستورات او را به درستی انجام دهد. راه بهبود جامعه درگیر مشکلات نیز همین است. زمانی که ما در انتخابات شرکت نکنیم در واقع کاری برای رفع مشکلات انجام ندادیم و به این رأی دادیم که هر چه می‌خواهد بشود و با رأی ندادن خود نه تنها مشکلی را حل نمی‌کنیم بلکه مشکلات را بیشتر و شرایط جامعه را بحرانی می‌کنیم، اما وقتی که در انتخابات شرکت کرده و فرد اصلح و شایسته را انتخاب می‌کنیم، با مطالبه‌گری خود می‌توانیم برای حل مشکلات و پیشرفت جامعه قدم برداریم. رهبری جمهوری اسلامی ایران بارها و بارها معیارهای انتخاب اصلح را بیان کردند که می‌توانیم از رهنمودهای ایشان در انتخاب درست استفاده کنیم. علاوه بر این مشارکت در انتخابات می‌تواند راه بهتری برای اعتراض باشد. همچنین راه‌های قانونی

در بخش‌های قبلی در رابطه با اهمیت، جایگاه و تأثیرات انتخابات گفته شد اما با این حال همچنان برخی سؤالات و شبهات در موضوع انتخابات مطرح می‌شود که ماهیت آنها به گونه‌ای است که می‌خواهد انتخابات را بی‌فایده جلوه دهد در این قسمت ما به سه مورد از مهمترین این سؤالات و شبهات پاسخ می‌دهیم:

پرسش اول: با وجود این همه مشکلات اقتصادی، معیشتی و... چرا باید در انتخابات شرکت کنیم؟ همانطور که همه ما می‌دانیم جامعه امروز ما با مشکلات بسیاری سر و کار دارد، اما آنچه که در این روزها بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و احساس می‌شود مشکلات اقتصادی است که مواردی از قبیل تورم، بیکاری، گرانی کالا و خدمات، بی‌ارزش شدن پول، مشکلات مسکن و... را شامل می‌شود. برخی وجود این مشکلات را دلیلی برای عدم شرکت در انتخابات می‌دانند و این کار را یک نوع اعتراض به وضع موجود تلقی می‌کنند. آنچه که به نظر می‌رسد این است که عدم شرکت در انتخابات راه حل درستی برای اعتراض به مشکلات نیست. برای

حمایت کنند و هزینه های بسیاری در این راه پردازند؟ اینها موضوعاتی است که بطور کلی این شبهه را رد می کند. بنابراین این شبهه از آنجایی که به نوعی فضای رقابتی در انتخابات را نفی می کند، قابل طرح نیست. برخی نیز این شبهه را با استناد به نحوه تأیید صلاحیت نامزدهای انتخاباتی توسط شورای نگهبان مطرح می کنند و ادله آنها این است که شورای نگهبان متأثر از معیارهای سیاسی و خطی افراد را تأیید و یا رد صلاحیت می کند. چند نکته نیز در این باره باید بیان شود: نکته اول اینکه شورای نگهبان بطور غیر مستقیم توسط مردم انتخاب می شود. نکته دوم اینکه این شورا بر اساس آنچه که در قانون مشخص شده افراد را تأیید و یا رد می کند و افراد نیز بر طبق قانون حق اعتراض دارند. نکته سوم این است که همواره در ادوار مختلف انتخابات شاهد آن هستیم که از جناح های مختلف سیاسی افراد تأیید شده و حتی رأی می آورند که با این وجود شبهه مطرح شده رد می شود. نکته چهارم اینکه شورای نگهبان تنها مخصوص کشور ما نیست و در کشورهای دیگر نیز شورای نگهبان با نام و شیوه ی متفاوت اما با تشابه کارکردی وجود دارد. با این همه انتقادات بسیاری هم به شورای نگهبان در این باره وارد است که بحث جداگانه و مفصلی را می طلبد، به عنوان مثال بسیاری از نامزدهای انتخاباتی کسانی هستند که به عنوان نماینده مجلس مشغول کار هستند اما رد صلاحیت شده اند و پس از اعتراض دوباره تأیید شده اند



گیری تا پایان شمارش آرا نظارت می کنند، بنابراین با وجود این نماینده ها شک و شبهه ای در این باره باقی نمی ماند. نکته دوم اینکه در طول تاریخ و ادوار انتخابات بارها شاهد این بوده ایم که افرادی مخالف افکار دولت و نظام حاکم انتخاب شده اند و روی کار آمدند و این موضوع خود گواه و شاهی است که این شبهه را رد می کند. نکته سوم اینکه اگر نتایج انتخابات مشخص بود چرا باید نامزدهای انتخاباتی برای تبلیغات هزینه های بسیار کنند؟ چرا باید رسانه های خارجی از یک نامزد خاص

به این شبهه می توان یک چالش را مطرح کرد. در سال ۱۳۵۸ نظام جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی با رأی اکثریت غالب مردم روی کار آمد و ما امروز در سال ۱۴۰۲ قرار داریم. سؤال و پرسشی که مطرح می شود این است که با وجود تمام مشکلاتی که جامعه امروز ما درگیر آنها است، آیا ایران امروز با ایران سال ۱۳۵۸ یکی است؟ تمام پیشرفت هایی که در این سال ها داشته ایم تنها و تنها به پشتوانه مردم بوده است. همانگونه که با این پشتوانه عظیم از آن روزها و مشکلات بزرگش عبور کردیم باز هم می توانیم مشکلات را پشت سر بگذاریم و آینده ای روشن برای جمهوری اسلامی ایران رقم بزنیم. کسانی که این رویکرد را مطرح می کنند به دنبال این هستند که مردم و نقش آنها در تعیین سرنوشتشان و همچنین ارزش رأی مردم را زیر سؤال ببرند در حالیکه اینگونه نیست، اصل ۵۶ قانون اساسی که بر مبنای قوانین و احکام اسلامی است به نقش مردم در تعیین سرنوشت خویش اهمیت می دهد و آن را حق الهی مردم می داند.

پرسش سوم: چرا باید در انتخابات شرکت کنیم در حالی که نظام حاکم هر کس را که بخواهد منصوب می کند و رأی ما نمایشی است؟ در رابطه با این پرسش چند نکته وجود دارد که به این سؤال پاسخ می دهد: نکته اول اینکه در پای صندوق های رأی هر کدام از نامزدهای انتخاباتی یک نماینده دارند که تماماً بر روند انتخابات از آغاز رأی





که این موضوعات بسیار بحث برانگیز است و به نوعی شورای نگهبان را زیر سؤال می برد.

اینها مهم ترین دلایلی است که شرکت در انتخابات را مهم می سازد. از مهم ترین فواید مشارکت در انتخابات می توان به ایجاد تحول، ایجاد امنیت، ایجاد قدرت، مقابله با فروپاشی اجتماعی، اعتراض به وضع موجود، تحقق پیشرفت، تحقق عدالت، مقابله با کاهش عقلانیت در جامعه، تعیین سرنوشت اجتماعی خود، حفظ و ترویج مردم سالاری دینی و... اشاره کرد، علاوه بر اینها به نظر می رسد که مشارکت در انتخابات در واقع به شعار اصلی انقلاب اسلامی (استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی) تحقق می بخشد و راه را برای نفوذ و دخالت دشمن مسدود می کند.

با وجود همه این چالش ها انتقاداتی نیز می توان وارد کرد. به عنوان مثال برخی نمایندگان آنطور که باید و شاید مطالبه مردم را در مجامع دولتی پیگیری نمی کنند، ساز و کار مناسبی برای ارتباط مردم با نمایندگان شان وجود ندارد در واقع نماینده باید در دسترس مردم و از جنس مردم باشد تا مردم بتوانند مشکلات و مطالبات خود را به او منتقل کنند، برای برکناری نماینده ناکارآمد مجلس ساز و کاری وجود ندارد، نمایندگان نیاز جامعه را در قانون گذاری و مطالبه گری نادیده می گیرند به عبارتی دیگر در تشخیص نیاز جامعه و طرح آن در مجلس برای قانون گذاری ها مطالبه از نهاد های مربوطه با تأخیر عمل می کنند که نتیجه آن وضع قوانین متروک است، بسیاری از نمایندگان در دوران تبلیغات وعده هایی می دهند که به مرحله اجرا و پیگیری نمی رسد و حتی برخی از آنها خارج از اختیار نماینده است.

مردم و به خصوص قشر دانشجو خواستار رفع این مشکلات و رابطه بین مردم و مسئولین و به ویژه نمایندگان به طور مستمر هستند به طوری که منجر به پیگیری مطالبات مردم و قانون گذاری درست شود و اقدامات لازم برای رفع مشکلات مردم صورت بگیرد. همچنین نماینده باید نقش پل ارتباطی بین مردم و مسئولان را ایفا کند و همواره به عنوان نماینده ملت ایران تصمیمات درست اتخاذ کند.

امید به اینکه با انتخاب درست و شایسته راه پیشرفت کشور را هموار کنیم.

و مِنَ اللَّهِ تَوْفِيقٌ



به قلم حسین طحان



تأثیر انتخابات بر جامعه و نظام بین الملل

تعریف:

انتخابات، معیاری برای بررسی میزان تأثیر دموکراسی و کیفیت آن و محکی برای سنجش مردم سالاری در جامعه به شمار می آید.

انتخابات چه تأثیری بر زندگی مردم داشته؟ انتخابات در یک کشور هنگامی تأثیر گذار هست که احزاب شکل بگیرد، و به تدریج دارای قدرت شوند و برنامه های خود را در کشور ارائه داده باشند.

تأثیر:

انتخابات در صورتی میتواند نقش شایسته و درست و موثری در روند اجتماعی دموکراتیک ساختن سیاست، بازی کند که مردم از آگاهی و شعور سیاسی بالاتری برخوردار باشند و نسبت به حقوق و نقش خود در معادلات سیاسی و سرنوشت سیاسی شان حساس باشند. حساسیت سیاسی آنها را به عرصه سیاسی خواهند کشاند و آگاهی و شعور سیاسی به آنها کمک خواهد کرد که در انتخاب خود هوشیارانه تر و دقیق تر عمل کنند. و فارغ از گرایشهای طایفه ای، منطقه ای، حزبی و..... به شایسته ترین تیم انتخاباتی رای دهند تا بتوانند بهترین حکومت را برای اداره کشور ایجاد کنند.

تأثیر انتخابات بر نظام بین الملل:

تأثیر انتخابات بر جایگاه و اعتبار بین المللی

تضمین کنند.

انتخابات و مسئله مشروعیت بین المللی:

مشروعیت در دو بعد از قدرت حکومت قابل اهمیت است: یک منبع قدرت و دوم اعمال قدرت. منبع یا مشروعیت ریشه بر اساس نحوه به قدرت رسیدن دولت - انقلاب، کودتا، ارث، انتخابات، و.... - ارزیابی شده و مشروعیت اعمال نیز با راه و روشهایی سروکار دارد که قدرت حکومت اعمال میشود. نکته دیگر اینکه، تأیید یا رد مشروعیت حکومت دو منشا دارد: درونی و بیرونی. مشروعیت درونی نتیجه تصور و ارزیابی شهروندان و گروه های داخلی دولت در مورد قدرت حکومت است. مشروعیت بیرونی نیز از تصور و ارزیابی دیگر دولت ها در نظام بین الملل حاصل میشود که به خصوص نقش قدرتهای برتر اهمیت بیشتری در آن دارد. مشروعیت درونی منجر به اقتدار و ثبات دولت شده و وفاداری شهروندان به آن را تضمین میکند. مشروعیت بیرونی نیز به تثبیت و تحکیم جایگاه دولت در جامعه بین المللی منجر شده و زمینه همکاری دیگر دولت ها با آن را فراهم میکند. ** در مورد اینکه دیگر دولت ها مشروعیت بیرونی یک دولت را چگونه تأیید می کنند، عوامل مختلفی دخالت دارد. نکته مهم و قابل توجه در جهان امروز این است که عامل مردمی بودن اهمیت زیادی در تأمین مشروعیت بیرونی دولت ها پیدا کرده

دولت ها را در قالب چهار مبحث مورد بررسی قرار میدهیم: صلح دموکراتیک، مشروعیت بین المللی، دیپلماسی عمومی و اصل لوح مطهر

صلح دموکراتیک:

تئوری جا افتاده و ریشه داری در روابط بین الملل است. بر اساس این تئوری، نظام های سیاسی دموکراتیک از سازوکارهایی برخوردارند که از بروز جنگ میان همدیگر جلوگیری به عمل می آورند. ایمانوئل کانت در اواخر سده هجدهم با انتشار اثری تحت عنوان صلح جاوید (منتشر شده در سال ۱۷۹۵) اولین بار تئوری صلح دموکراتیک یا لیبرال انترناسیونالیسم را پایه گذاری کرد. به نظر کانت، صلح میان دموکراسی ها با تکیه بر سه اصل امکان پذیر میشود: اول اینکه سیستم سیاسی دولت ها به شکل جمهوری بوده و در قالب آن مالکیت خصوصی، اقتصاد بازار، برابری حق شهروندان، تفکیک قوا و اصول مکمل دیگر رعایت شوند. دوم اینکه، جمهوری های لیبرال از طریق استقرار نوعی «اتحادیه صلح طلب» روابط میان خویش را تنظیم کنند. هرچه جمهوری ها افزایش یافته و وارد این اتحادیه شوند، محدوده صلح گسترش بیشتری می یابد. اصل سوم وجود قانونی جهانی است که طبق آن، دولت ها رفتار مبتنی بر احترام متقابل را پذیرفته و حق اتباع کلیه طرف ها در ورود و خروج آزادانه از مرزهای جغرافیایی و انجام تجارت آزاد را

این اصل در مورد معاهدات عینی-مثل معاهدات سرزمینی و معاهدات قانون‌ساز، صادق نیست، هرچند در این مورد نیز معاهداتی نظیر میزبانی از پایگاه‌های نظامی کشورهای خارجی، اجاره بخشی از سرزمین به کشورهای دیگر و واگذاری منابع طبیعی کشور به خارجی‌ها مستثنا بوده و کشور جانشین حق فسخ آنها را دارد. لوح مطهر که در واقع اصلی در راستای حمایت از منافع کشور های ضعیف تازه استقلال یافته است، مبتنی بر منطق مشخصی است و آن اینکه دولت‌ها نمیتوانند به تعهداتی ملزم شوند که در پذیرش آنها نقشی نداشته‌اند. بنابراین، دولت های جهان باید به کشور جانشین همچون موجودیتی متفاوت نگریسته و از فشار بر آن به خاطر سیاست های کشور پیشین خودداری کنند.

به قلم ابوالفضل بازاری

بگیرند. تاثیر این موضوع باعث می‌شود که دیپلماسی سنتی مثل قبل نتواند پاسخگوی نیاز های دولت باشد و بازدهی خود را از دست میدهد. بنابراین شاخه جدیدی در دیپلماسی دولت ها تحت عنوان دیپلماسی عمومی معرفی می‌شود تا بر جهت گیری افکار عمومی کشور هدف تاثیر بگذارد.

انتخابات و اصل لوح مطهر در حقوق بین‌الملل، اصلی تحت عنوان لوح مطهر یا لوح سفید وجود دارد که بر اساس آن کشورهای تازه استقلال یافته یا به طور کلی کشورهای جانشین به معاهدات شخصی کشور پیشین متعهد و ملتزم نخواهند بود، مگر اینکه آزادانه خود را به استمرار معاهدات کشور پیشین ملزم کنند. البته،

است. به عبارت دیگر، عوامل تضمین‌کننده مشروعیت درونی با عوامل تحقق مشروعیت بیرونی هماهنگ تر شده‌اند. موضوع نقش تعیین‌کننده‌ای مردمی در تعیین مشروعیت داخلی و بین‌المللی دولت ها که در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) نیز منعکس شده، محصول ظهور اندیشه های دموکراسی خواهانه در عصر مدرن است.

تاثیر انتخابات و دیپلماسی عمومی:

یکی از ویژگی های سیاست بین‌الملل در جهان امروز این است که نگرش و تحلیل مردم در امور مختلف، اعم از اینکه مبتنی بر اطلاعات صحیح یا اشتباه باشد، نقش بسیار مهمی در جهت گیری تصمیمات دولت ها دارد. حتی دولت های غیر دموکراتیک نیز مجبورند در عملکرد خودشان حدی از ملاحظات افکار عمومی داخلی را در نظر





انتخابات ۱۴۰۲

ویژه نامه انتخابات
انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه بیرجند

فصلنامه علمی و پژوهشی
انجمن علمی علوم سیاسی
دانشگاه بیرجند

